بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر
نام آشنای علم و ادب و فرهنگ
۱۳۲۸

درآمدی بر افلاطون

جولیا آنَس
ترجمهٔ ابوالفضل حقیری قزوینی

سرشناسه: اناس، جولیا، Annas, Julia
عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر افلاطون / جولیا انس؛ ترجمهٔ ابوالفضل حقیری‌قزوینی.
مشخصات نشر: تهران: امیر کبیر، ۱۴۰۴.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۲۵۸۶-۴
یادداشت: چاپ سوم، ۱۴۰۵
یادداشت: عنوان اصلی: . Plato : a very short introduction ,۲۰۰۳
موضوع: افلاطون، ۴۲۷؟ - ۳۴۷؟ق.م.
موضوع: Plato
موضوع: فیلسوفان قدیم
شناسه افزوده: حقیری، ابوالفضل، ۱۳۳۸ - ، مترجم
رده بندی کنگره: B۳۹۵
رده بندی دیویی: ۱۸۴
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۴۳۷۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: درآمدی بر افلاطون
نویسنده: جولیا آنس
به کوشش: ابوالفضل حقیری قزوینی
مدیریت هنری: آژانس خانه ایده | محمدحسین مؤیدی
نوبت چاپ: سوم | ۱۴۰۵
شمارگان: شمارگان گردآمده تا پایان چاپ دوم، ۲۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: ۵۰۰ نسخه
دفتر مرکزی: پردیس دانش
تهران | خیابان جمهوری اسلامی |
تقاطع خیابان سعدی | پلاک ۲
شماره تماس: ۰۲۱-۳۳۹۰۰۷۵۱-۲
کدپستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸
نشانی اینترنتی: a m i r k a b i r p u b . i r
@ a m i r k a b i r p u b c o

فهرست

فصل یکم: محاجه با افلاطون ۷
مسئلهٔ هیئت داوران ۷
تئتتوس ۸
سقراط ادامه می‌دهد ۱۱
برای معرفت چه چیزی لازم است؟ ۱۲
مسئله‌ای برای ما ۱۴
خواننده وارد می‌شود ۱۵
بحث با افلاطون ۱۸
فصل دوم: نام افلاطون و موضوعات دیگر ۲۱
نام یا لقب ۲۱
حقایق و شبه‌حقایق ۲۲
تفسیرهای مختلف ۲۸
سقراط و آکادمی ۳۰
فصل سوم: نمایش، داستان، و نویسنده‌ای فریبنده ۳۷
نظریه و عمل ۳۷

فاصله‌گیری و اعتبار ۴۲
دو سنت ۴۹
صداهای بسیار؟ ۵۳
افسانه، اسطوره و فلسفه ۵۶
فصل چهارم: فضیلت، در من و در جامعهٔ من ۶۱
چگونه باید سعادتمند بود ۶۱
آنچه اهمیت دارد ۶۴
تشبه جستن به خدایان ۶۷
تعلیم مردمان خوب ۶۹
فرد و دولت ۷۳
فصل پنجم: نفس من و خود من ۷۹
مسائلی دربارهٔ نفس ۷۹
بسیط یا مرکب؟ ۸۲
ذهن یا متحرک؟ ۸۵
حاکم یا زندانی؟ ۹۱
تناسخ، اسطوره و برهان ۹۳
فصل ششم: ماهیت چیزها ۹۷
بی‌نظمی و نظم ۹۷
خدا و خیر ۹۹
ریاضیات و معرفت ۱۰۲
صور ۱۰۵
خاتمه ۱۱۵
فلسفه ۱۱۵
منابع ۱۱۷
برای مطالعهٔ بیشتر ۱۲۱
نمایه ۱۲۳

فصل یکم
محاجه با افلاطون

مسئلهٔ هیئت داوران

تصور کنید در میان هیئت داوران نشسته‌اید و به اسمیت گوش می‌کنید که شرح می‌دهد چگونه مورد حمله و سرقت قرار گرفته است. جزئیات جالب و توضیح منسجم است و شما کاملاً متقاعد شده‌اید؛ شما معتقدید که اسمیت قربانی جنایتی خشونت‌بار بوده است. این باوری صادق است؛ اسمیت به‌واقع مورد حمله قرار گرفته است.

آیا می‌دانید که اسمیت مورد حمله قرار گرفته است؟ بحث دراین‌مورد، ممکن است در ابتدا عجیب به نظر برسد. چه مدرک بهتری می‌توان داشت؟ اما می‌توان فکر کرد که خوب بالاخره اینجا دادگاه است و اسمیت هم پرونده‌ای را مطرح ساخته و کسی که به ادعای او به وی

حمله کرده سعی خواهد کرد که با آن مقابله کند. آیا اطمینان دارید که از آن سبب متقاعد شده‌اید که اسمیت راست می‌گوید، یا شاید پرونده طوری ارائه شده باشد که شما را متقاعد سازد؟ اگر این‌طور باشد، می‌توان نگران شد؛ زیرا حتی در صورتی هم که اسمیت حقیقت را نگفته بود شاید شما متقاعد می‌شدید. به‌علاوه، حتی اگر وی حقیقت را بگوید، آیا شواهد وی مبنی بر اینکه مورد حمله قرار گرفته قطعی است؟ زیرا، تاآنجاکه شما می‌دانید، ممکن است وی بخشی از یک صحنه‌سازی بوده باشد، و اگر خودتان آنجا بودید و ماجرا را می‌دیدید چنین به نظرتان نمی‌آمد. و بنابراین، این نتیجه‌گیری می‌تواند کاملاً طبیعی به نظر برسد که در واقع شما نمی‌دانید که اسمیت مورد حمله قرار گرفته است، هرچند در مورد اینکه این امر درست است باوری دارید، و هیچ دلیل عملی برای تردید در حقیقت آن ندارید.

تئتتوس

تئتتوس یکی از جذاب‌ترین محاورات افلاطون است، اما یکی از معماوارترین آن‌ها نیز هست. در آن سقراط می‌گوید مانند مادرش ماما است: نظرات مردم را می‌گیرد تا آن‌ها را بیازماید و ببیند آیا در برابر بررسی خردمندانه تاب می‌آورند. وی با امتناع از طرح نظرات خود دربارهٔ معرفت (هرچند نشان می‌دهد که از کار فیلسوفان دیگر به‌خوبی آگاه است)، نقص‌های تمام تبیین‌های معرفت را که تئتتوس جوان مطرح می‌سازد، عیان می‌سازد. تئتتوس با تعقیب این فکر که اگر چیزی را

می‌دانید، نمی‌توانید بر خطا باشید، می‌گوید شاید دانستن، درک کردن باشد؛ بعد داشتن باوری صادق؛ بعد باوری درست و قادر بودن به دفاع از آن و یا تبیین آن. تمام این حدس‌ها شکست می‌خورد و محاورهٔ ما را با آگاهی از ناتوانی خود در حفظ تبیینی از دانستن به حال خود رها می‌کند. اصرار سقراط به اینکه فقط علیه مواضع دیگران و نه له مواضع خود استدلال کند، این محاوره را به محاوره‌ای کلیدی در سنت افلاطونی تبدیل می‌کند که میراث افلاطون را در جستجوی حقیقت با پرسش از کسانی که ادعای در اختیار داشتن آن را دارند (همان کاری که سقراط اغلب در محاورات انجام می‌دهد) و نه طرح ادعاهای فلسفی خود، می‌داند. دیگران، با توجه به ادعاهای ایجابی و جاه‌طلبانه‌ای که دربارهٔ ماهیت معرفت در محاورات دیگر می‌یابیم، فکر می‌کنند *تئتتوس* فقط آن تبیین‌های معرفت را که افلاطون نادرست می‌دانسته، رد می‌کند. در اینجا، سقراط مامای نظرات دیگران، که از خود فرزندی ندارد، ظاهراً بسیار متفاوت از سقراط محاورات دیگر نظیر *جمهور* است که نظرات ایجابی را با اطمینان کامل مطرح می‌سازد. خوانندگان باید دربارهٔ این نکته، خود نتیجه‌گیری کنند (برخی جواب‌های قدیمی و جدید در فصل سوم مورد بحث قرار گرفته است).

افلاطون در محاورهٔ *تئتتوس* این موضوع را مطرح می‌سازد. تئتتوس جوان می‌پرسد معرفت جز باور صادق چه می‌تواند باشد؟ بالاخره، اگر باور صادقی داشته باشی مرتکب اشتباهی نمی‌شوی. اما تئتتوس با سقراط سخن می‌گوید (که از او در فصل دوم بیشتر سخن خواهیم گفت)